

کتاب مقدس برای کودکان  
تقدیم می کند



پادشاه خوش قیافه  
نادان



نویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر: Janie Forest ; Alastair Paterson

بازگویی از: Lyn Doerksen

مترجم: Shahrzad

ناشر: Bible for Children

[www.M1914.org](http://www.M1914.org)

BFC

PO Box 3

Winnipeg, MB R3C 2G1

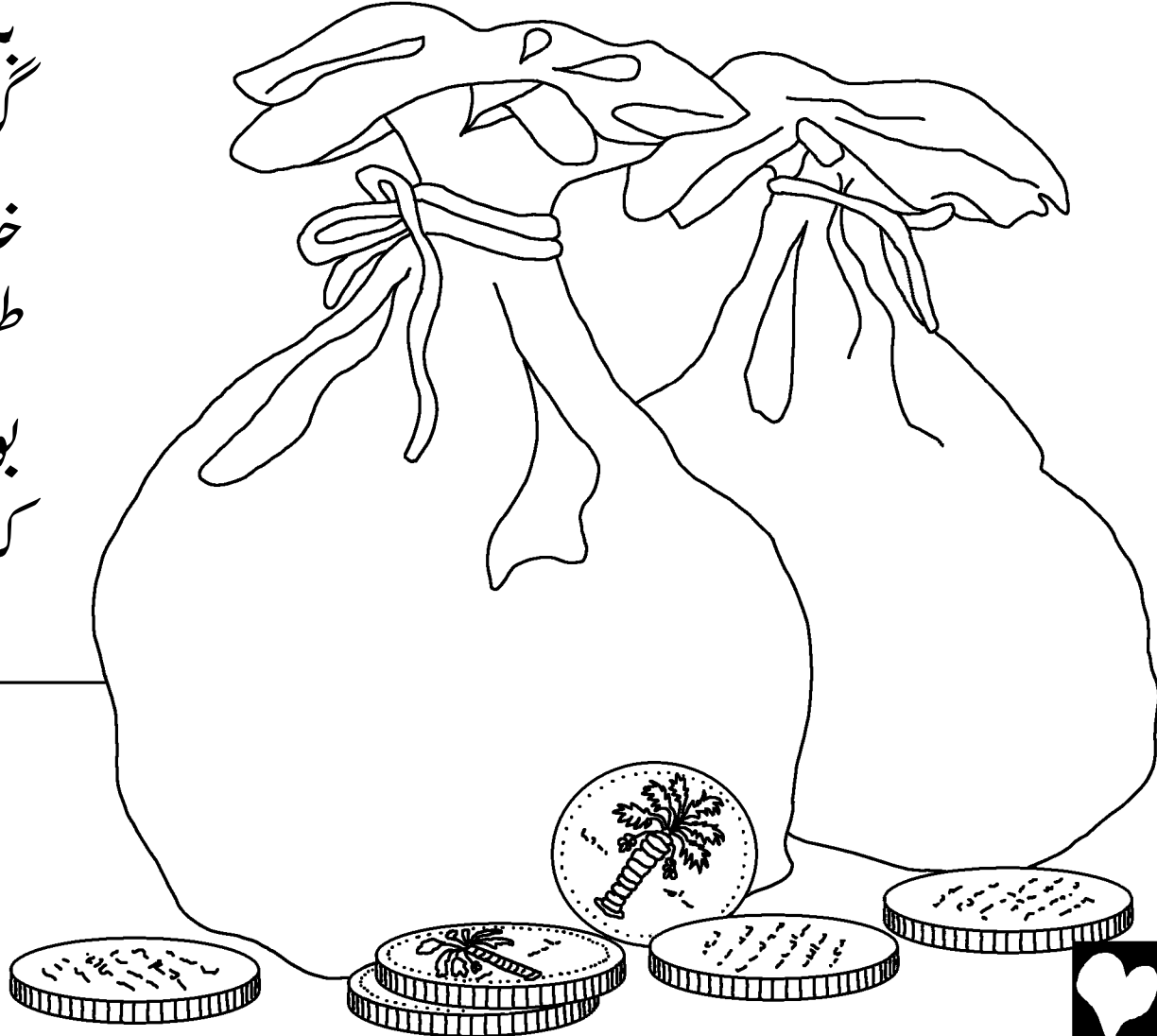
Canada

©2021 Bible for Children, Inc.

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان ها را کپی و یا چاپ نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.



سموئیل، رهبر و داور اسرائیل  
، پیر بود. بنا بر این پسرانش را  
به عنوان داوران اسرائیل  
گذاشت تا جای او را در خدمت  
خداوند بگیرند. اما پسرانش،  
طمعکار بودند. آنها پول دوست  
بودند و از قدرتشان استفاده می  
کردند تا پول بیشتری بگیرند.



مردم اسرائیل، به خاطر شرارت‌های پسران سموئیل متحمل سختی‌های زیادی شدند.  
قضاوت‌ها منصفانه نبود. مردم برای هر گنجه‌ای که می‌خواستند باید به پسران سموئیل  
پول می‌پرداختند. باید اتفاقی می‌افتاد. یک روز بزرگان اسرائیل دور

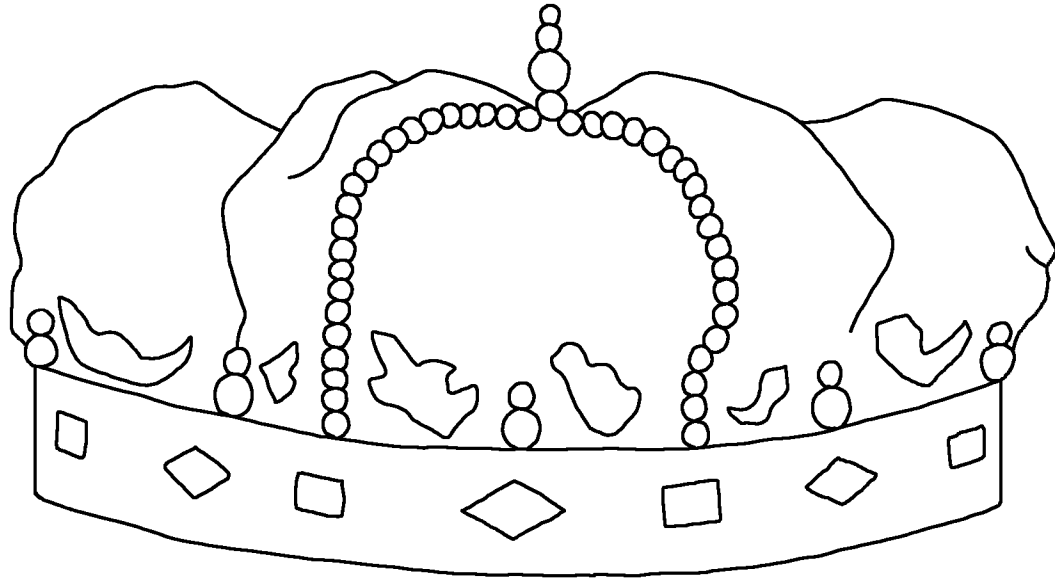
هم جمع شدند و از

سموئیل کمک

خواستند.



پیران اسرائیل از سموئیل درخواست کردند کہ: "برای ما پادشاهی بیاور". آنھانمی  
خواستند کہ پسران فاسد سموئیل برای آنھادآوری کنند. آنھایک پادشاه میخواستند مثل  
ملتھای همسایہ شان.



سموئیل از در خواست آنها

عصبانی شد.

اسرائیل

خود پادشاه

داشت. خداوند قادر،

پادشاه ابدی، بر اسرائیل حکمفرمایی

می کرد. مدتها قبل خداوند قوم

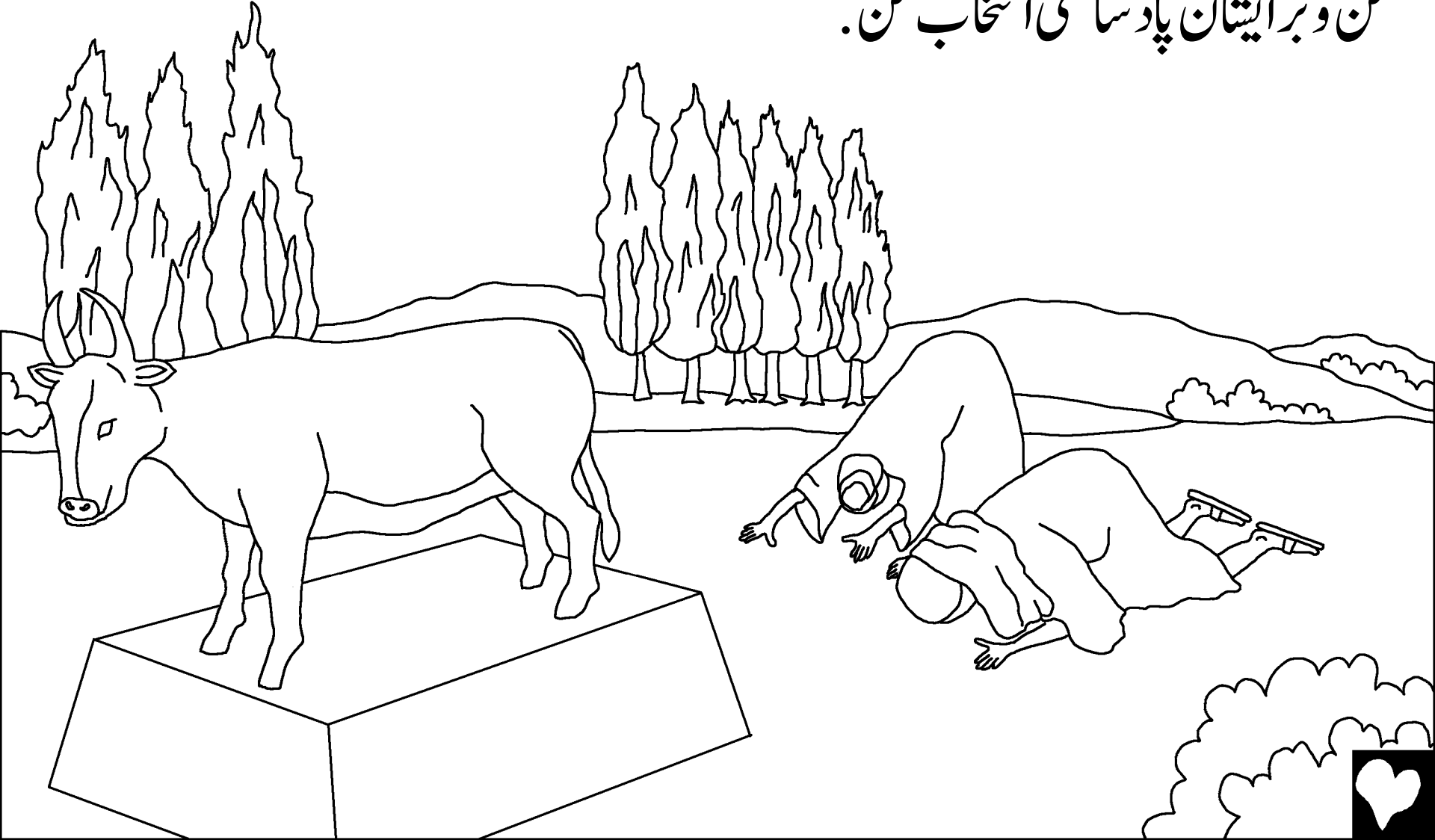
اسرائیل را از بردگی در مصر آزاد کرد و آنها

را از دریای سرخ عبور داد تا از مصر بگریزند.

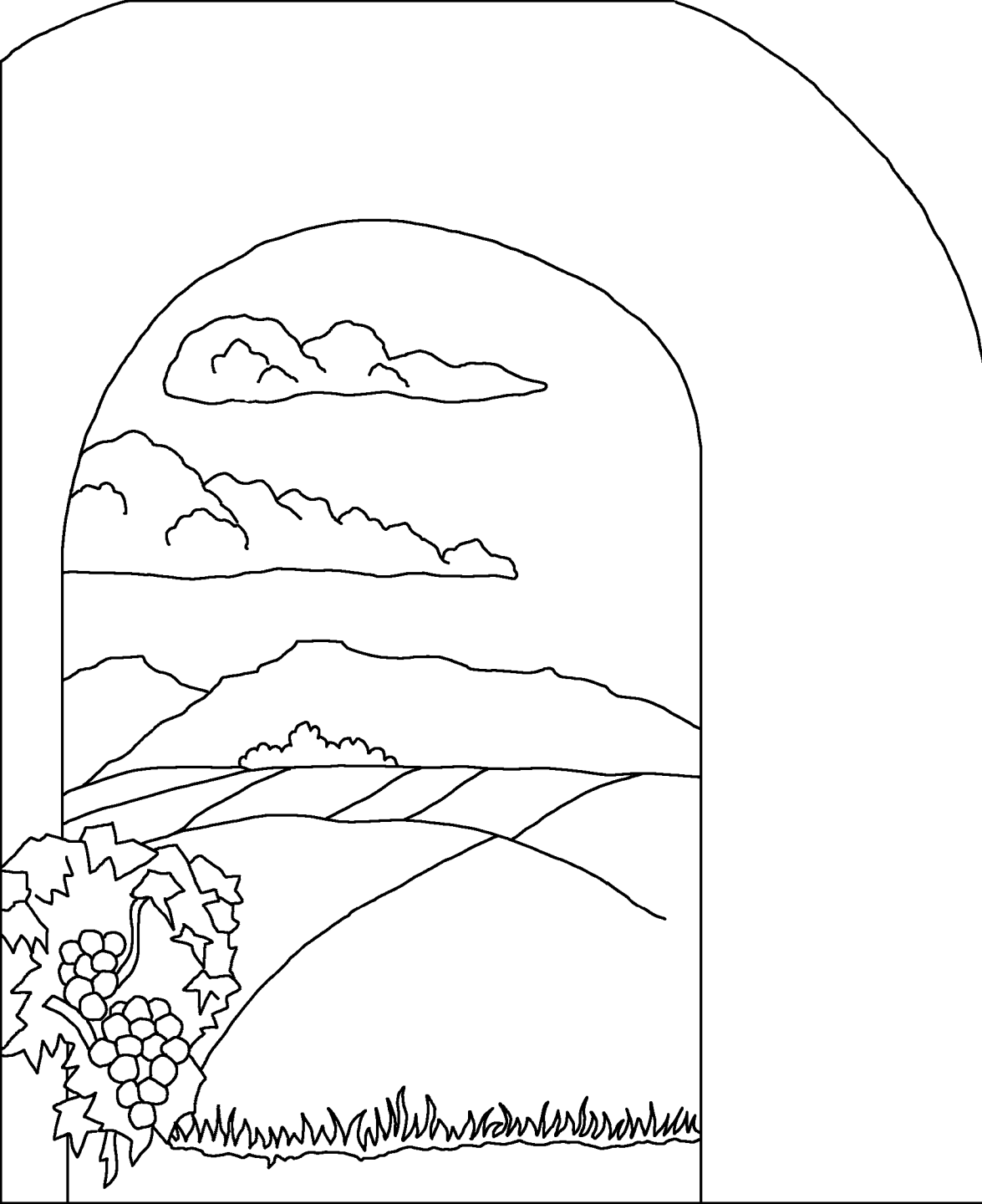
سپس او به اسرائیلی ها سرزمین زیبایی داد.



وقتی سموییل دعا کرد، خداوند به او گفت: مردم تو را رد نکرده اند، آنها مراد کرده اند،  
که من بر آنها سلطنت نکنم. آنها خدایان دیگر را پرستش کردند. به صدای آنها توجه  
کن و برایشان پادشاهی انتخاب کن.



خداوند به سموئیل گفت که  
به مردم هشدار دهد که  
پادشاهشان از آنها مالیات  
خواهد گرفت. بهترین  
زمین‌ها را برای کشاورزی و  
پرورش انگور خواهد برداشت  
، پسرانشان را به خدمت  
سربازی و دخترانشان را به  
خدمت در قصرش خواهد  
گرفت.





# پاکستان

در هر صورت مردم  
پادشاهی می خواستند.

دورنگه داستان



خداوند سموئیل را به سوی مرد جوانی که خیلی خوش قیافه،  
خجالتی و بلند قد بود هدایت کرد. یک سر و کردن از افراد دیگر  
بلند تر بود. نام او شائول بود. وقتی سموئیل،  
شائول را دید، خداوند به او فرمود:

" این مرد بر قوم من  
سلطنت خواهد کرد.

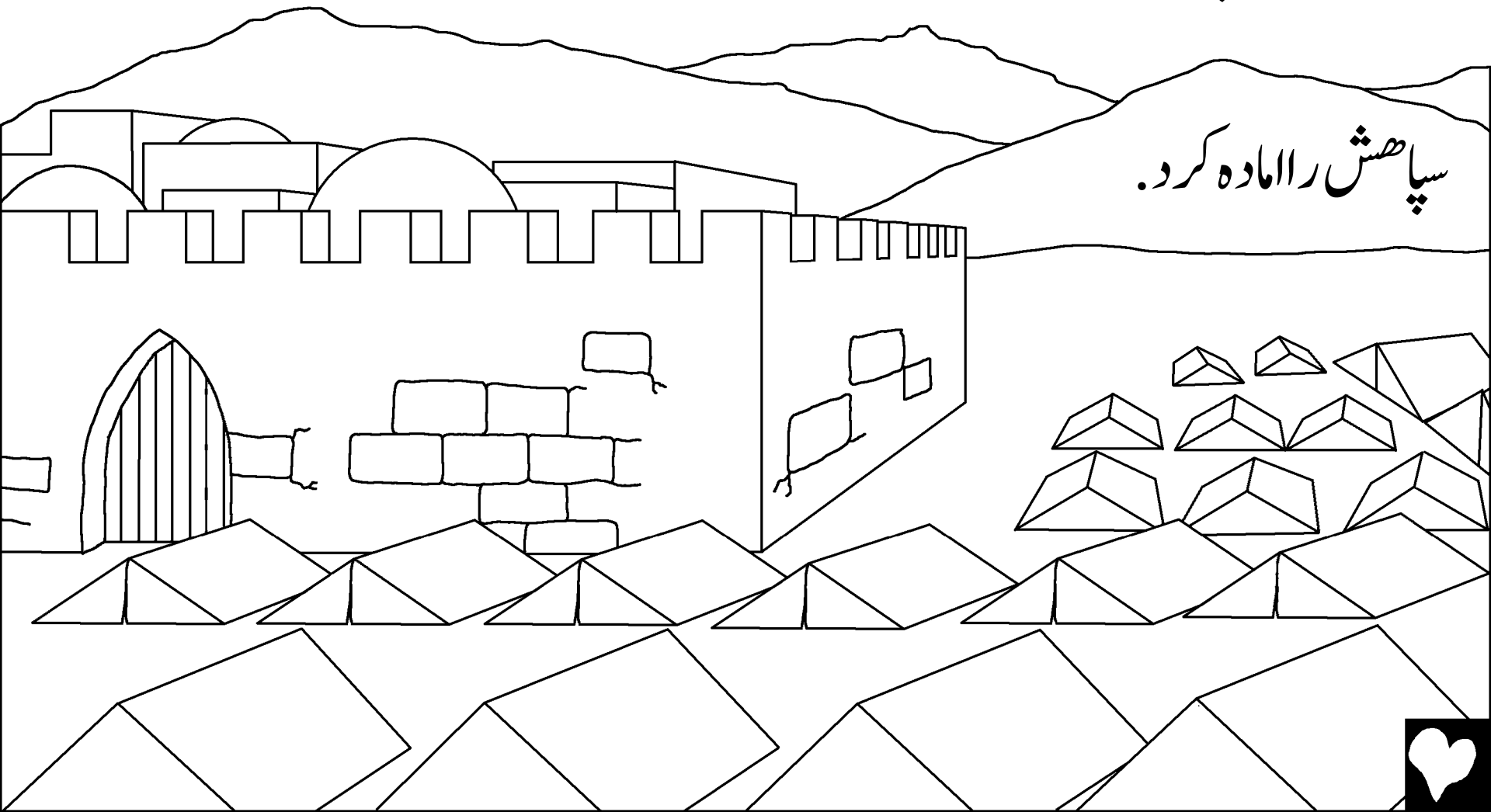


سموئیل در اطاعت کامل، شائول را  
به عنوان پادشاه اسرائیل تدوین  
کرد. وقتی شائول راه مردم معرفی  
کرد، آنها گریستند و گفتند: "  
پادشاه تا ابد زنده باد".



خیلی زود شائول مورد آزمایش قرار گرفت. عمونی ها، قومی که از اسرائیلی ها متنفر بودند، اسرائیل را محاصره کردند و آنها را تهدید کردند که چشم راست هر مرد اسرائیلی را از حدقه در می آورند. چه نقشه ظالمانه ای! خبر تهدید عمونی ها به پادشاه شائول رسید. او

سپاهش را آماده کرد.

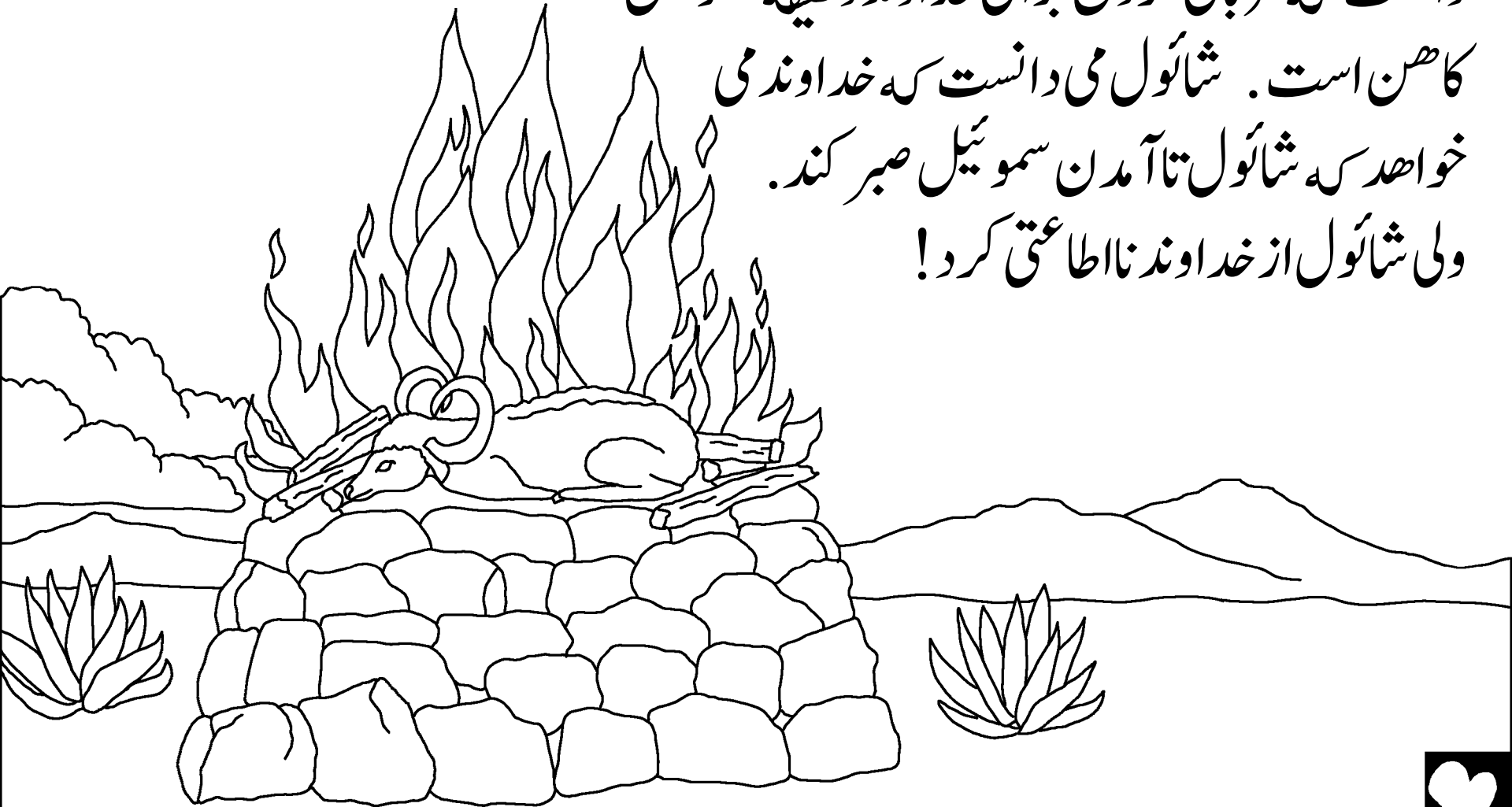




وقتی که سپاه اسرائیل و سپاه  
عمونی هار و بروی هم قرار  
گرفتند، شائول، عمونی هارا  
شکست داد و اسرائیل را نجات  
داد. پادشاه شائول، خداوند را  
جلال داد و گفت: "امروز  
خداوند اسرائیل را نجات داد."



خداوند، آنروز به شائول پیروزی عظیمی داد. ولی شائول همیشه به خداوند احترام نمی گذاشت. یک روز قبل از جنگ با فلسطینی ها، شائول برای خداوند قربانی کرد. اومی دانست که قربانی کردن برای خداوند وظیفه سموئیل کاهن است. شائول می دانست که خداوند می خواهد که شائول تا آمدن سموئیل صبر کند. ولی شائول از خداوند ناطاعتی کرد!



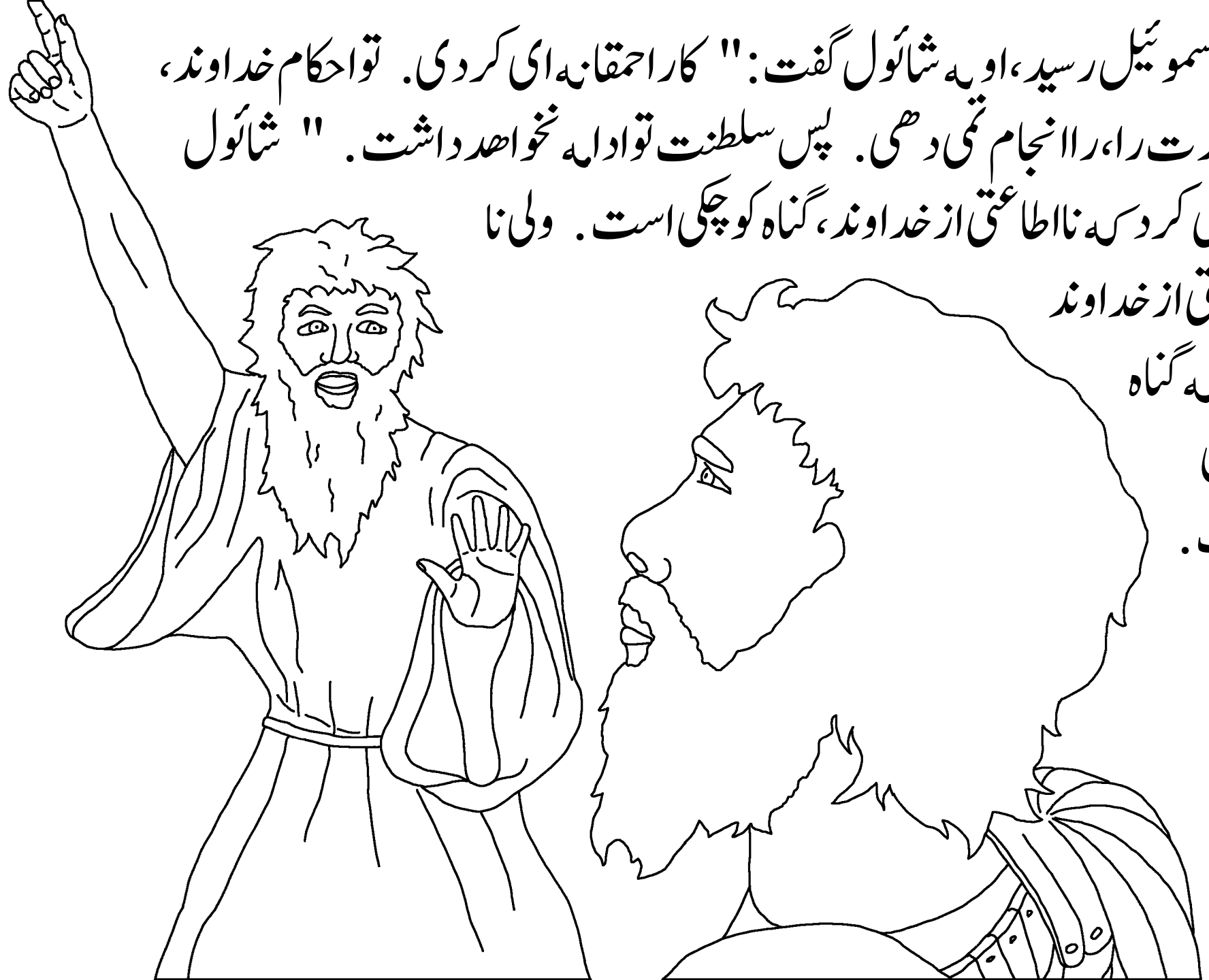
وقتی سموئیل رسید، او به شائول گفت: "کار احمقانه‌ای کردی. تو احکام خداوند،  
سرورت را، را انجام نمی دهی. پس سلطنت تو داده نخواهد داشت." شائول  
فکرمی کرد که ناطاعتی از خداوند، گناه کوچکی است. ولی نا

اطاعتی از خداوند

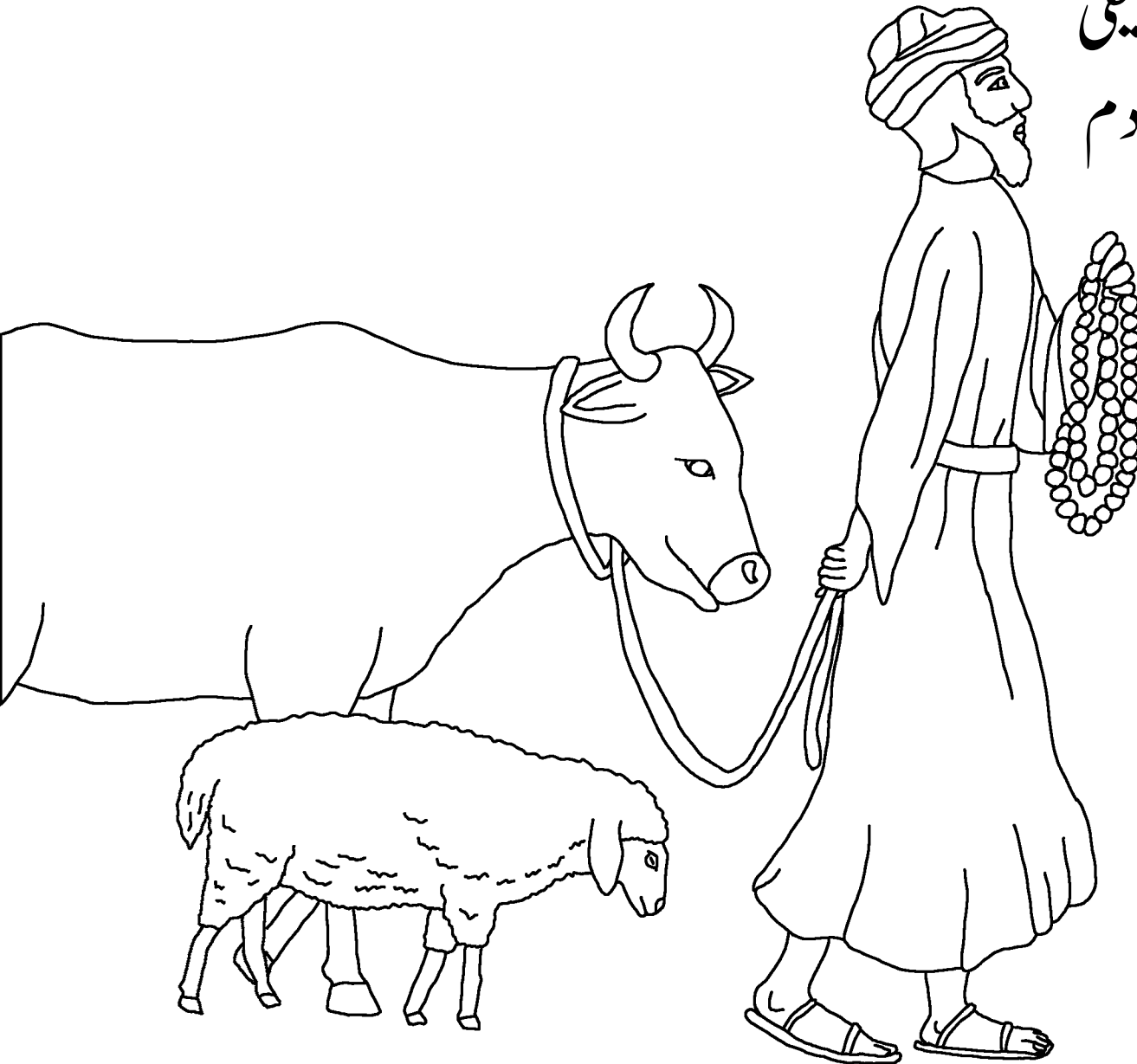
همیشه گناه

جدی

است.

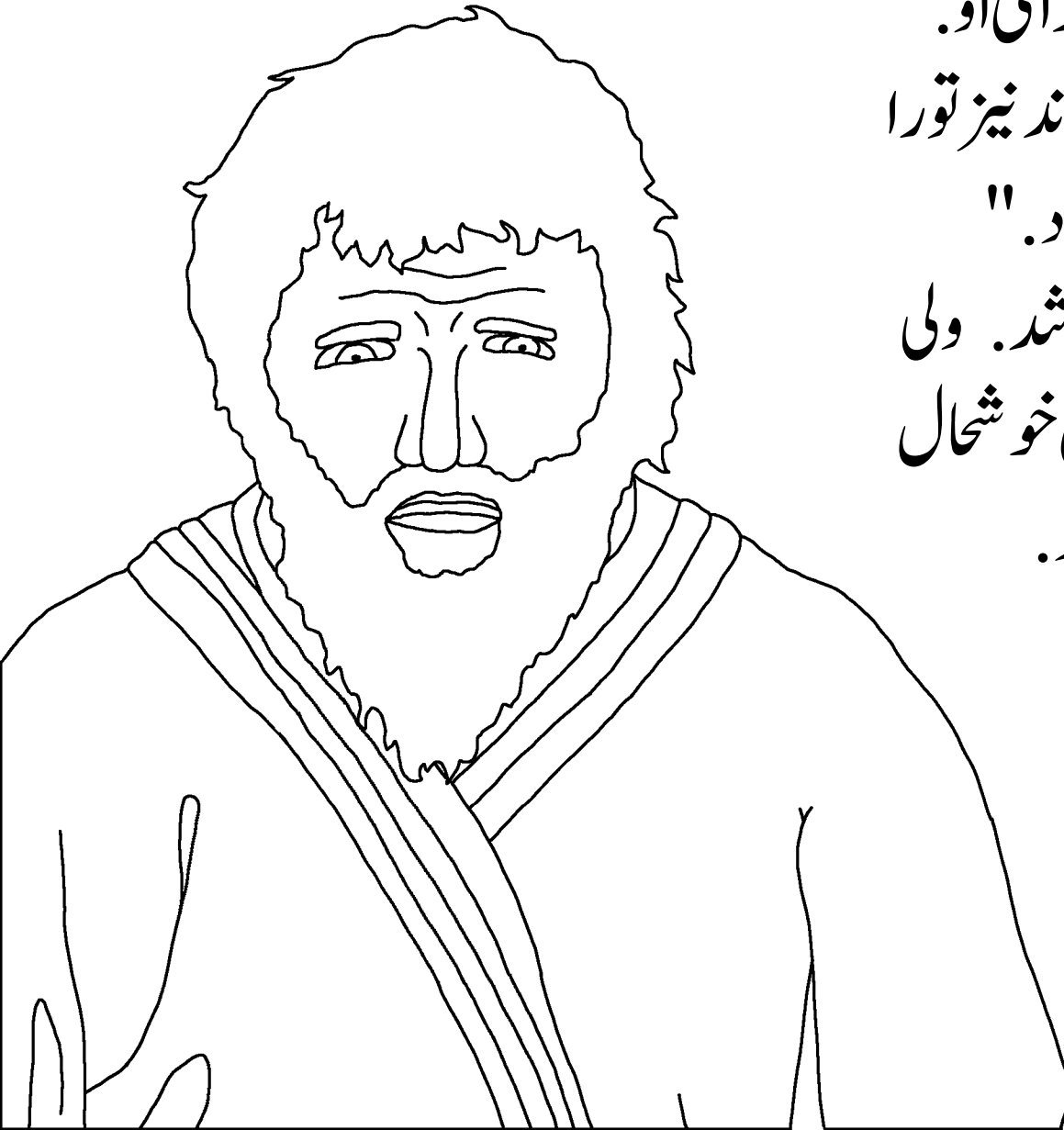


یک بار دیگر، خداوند به شائول  
فرمان داد تا مردم شرور عمالیتی  
رانا بود کند. اما شائول و مردم  
اسرائیل پادشاه عمالیتی،  
اقاق، رازنده گذاشتند.  
انها حتی اشیای قیمتی،  
گوسفندان و گاوها را  
نگه داشتند. شائول گفت،  
انهارانگه داشته تا برای  
خداوند قربانی کند.





سموئیل به شائول گفت، " اطاعت از خداوند بهتر است تا قربانی کردن برای او. " تو فرمان خداوند را رد کردی، و خداوند نیز تو را از سلطنت بر اسرائیل رد خواهد کرد. " شائول خیلی از گناه خودش متاسف شد. ولی دیگر خیلی دیر شده بود. بقیه عمرش خوشحال نبود چون از خداوند اطاعت نمی کرد.



پادشاه خوش قیافه نادان

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

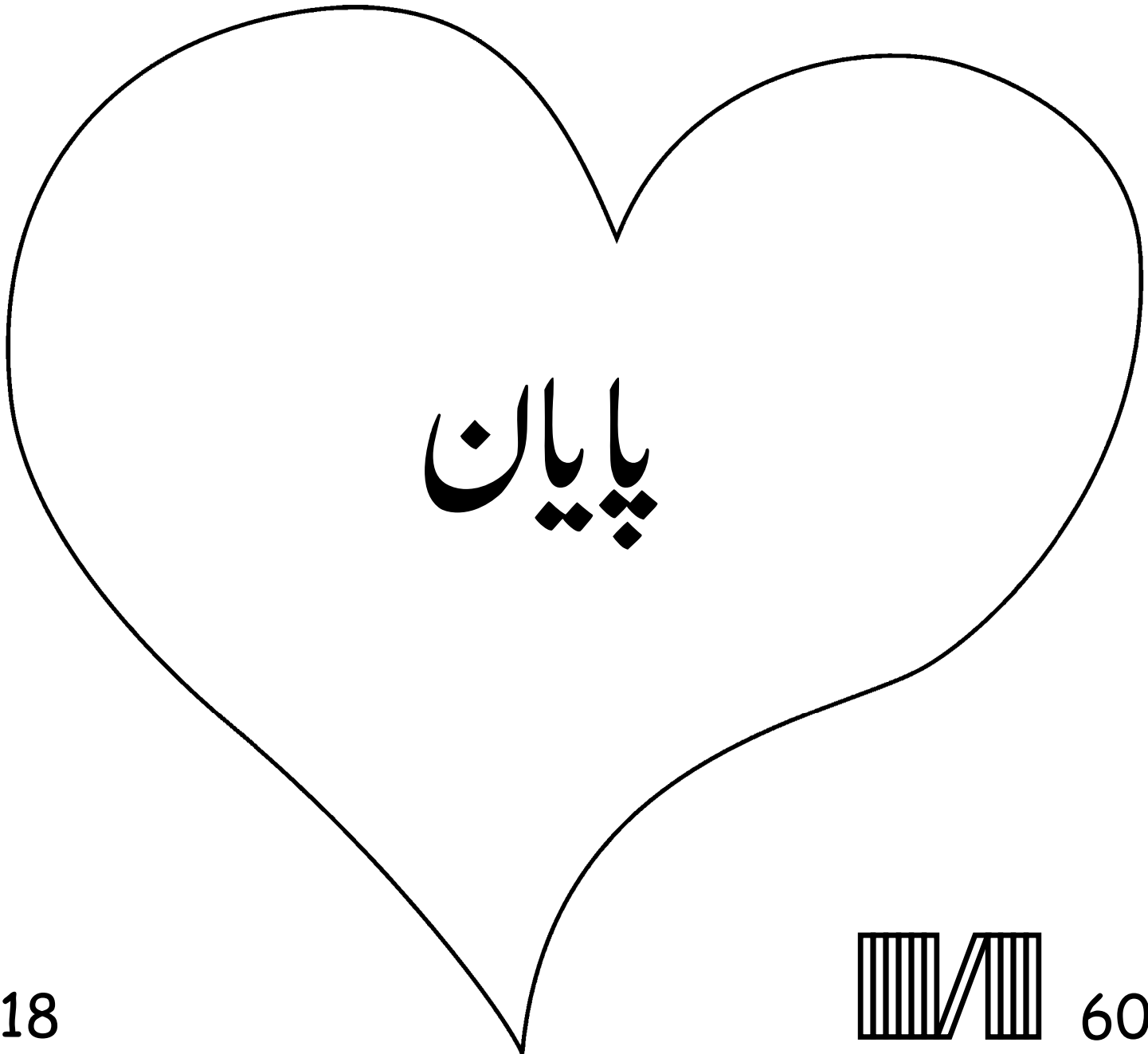
بر اساس

اول سموئیل ۱۶-۸

"کشف کلام تو نور می بخشد."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰





پایان



داستانهای کتاب مقدس با مادر باره‌خدا بی صحبت می‌کنند که ما را  
آفرید و اراده‌ او این است که شما نیز او را بشناسید.

خدای داند که ما کارهای بدی انجام داده ایم کارهایی که او آنهارا گناه می‌خواند. م  
جازات گناه مرگ است، اما خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسریگان خود را فرستاد تا بر  
روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد. عیسی مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد و به  
آسمان بالا رفت. اگر توبه عیسی ایمان بیاوری و از او بخواهی که گناهان تو را بپامزد،  
او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.

اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را بکن: عیسای عزیز من ایمان دارم  
که تو خدا هستی، و به صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان من بمیری، و اکنون زنده هستی.  
خواهش می‌کنم که وارد زندگی من بشوی و گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی تازه‌ای داشته باشم و برای  
همیشه با تو زندگی کنم. کمکم کن تا به عنوان فرزند تو بتوانم تو را اطاعت کنم و برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس راهر روز بخوان و همیشه دعا کن! انجیل یوحنا ۳: ۱۶

